




نفسك از لفك الله سبحانه بتحقیق که تو اگر اضافه هی نفس خود خدا تو را مقرب خود

وباو هیچ احتیاج ندارد با آنکه خداوندی بجز او ندارد ومالك ضرر ونفع او بغیر او نیست
پس ای بنده با خداوند خود انصاف ده باندك فقری که صلاح تو در آن دانسته احسا نها 2
او را فراموش مکن وباندك دردی که میخواهد تورا از خواب غفلت بیدار کند آشنائی را
با حضرت او پاره مکن وباندك بیماری که خواهد تورا از گناه پاك گرداند دوستی را
با جناب او تعالی شانه پاره منمای که تو بعد از مردن باو احتیاج داری بلکه صد هزار گونه
احتیاج در هر چشم بر هم زدنی پیش از مرگ وبعد از مرگ ودر روز قیامت باو داری پس
چگونه دست از او بر میداری ودیگر انصاف دادن با خلق است باین معنی که در هر امری
از خیر وشر خود را بجای او پنداری واو را بجای خودت واز برای او به پسندی آنچه
از برای خود می پسندی واز برای او نخواهی آنچه از برای خود نمی خواهی واگر داری یا مسئلة
یا چیزی خطائی کرده باشی وحق با اوست انصاف آنست که با نفس خود جهاد کنی واز آبروئی
که پیش مردم داری اندیشه ننمائی بدون پرده وکنایه صریح بگوئی که ای برادر حق با توست
ومن اشتباه کرده ام وخطا نموده ام ودر مدح انصاف اخبار بسیار از ائمه اطهار صلوات الله
علیهم وارد شده از آنجمله در کتاب درر وغرر مسطور است که ان افضل الایمان انصاف
الرجل نفسه بدرستی که بهترین ایمان انصاف دادن مرد است از نفس خود وبهترین
جهاد جهاد کردن مرد است نفس خود را ودر جای دیگر از آن کتابست که ان اعظم المثوبة
الانصاف ان ازین الاخلاق العفاف یعنی عظیم ترین ثوابها ثواب انصاف است وزینت
دارنده ترین اخلاق عفاف است ودر جای دیگر از آن کتابست که انك ان انصفت من
نفسك ازلفك الله سبحانه بتحقیق که تو اگر انصاف دهی از نفس خود خدا تو را مقرب خود

خود میکوداند و من کثر انصافه شهدة النفوس بتعدیله و هر کس که بسیار باشد

انصافها و شهادت میدهند همهٔ مردم بعادل بودن او و در کتاب خصال روایت کرده است

شیخ صدوق از حضرت صادق صلوة الله علیه که آنحضرت فرمود که مبتلا نشده است

مؤمن بچیزی که سخت تر باشد از سه خصلت مواسات کردن و انصاف دادن از

نفس خود و یاد کردن خدا نزد حلال و حرام مجلس سیزدهم اللهم طهرنی فیه من الدنس

والاقذار وصبرنی فیه علی کاینات الاقدار ووفقنی فیه للتقی وصحبة الابرار بعونك

یا قرة عین المساکین مسئلت جناب رسول از درکاه احدیت در دعای امروز اینست

که خدا وندا پاك و پاکیزه کردان مرا در این روز یا بیماه از برای صحبت نیکان بیاری

توای خدا وندی که قرة العین ما فقرایی و نور دیدهٔ و محبوب ما ضعفایی که فرح و سرور

ما از لقای تو و عبادت تو حاصل میکردد ظرف بلور فیه شراب طهور بدان ای برادر

که طهارت که فقرهٔ اول دعا بان اشاره دارد دو طهارتست و طهارت بمعنی نظافت و نزاهتست

و در حدیث وارد است که ان الله یحب النظافة یعنی خدا دوست میدارد نظافت و پاکیزکی

را و در حدیث دیکر الطهور نصف الایمان یعنی خود را پاك کردانیدن نصف ایمانست

و در قران مجید آمده که ان الله یحب التوابین ویحب المتطهرین بتحقیق که خدا دوست

میدارد بسیار توبه کنندکان را و خود را بر پاکی دارندکان را و بدان که در مبدء فطرت

حق تعالی عز و جل ارواح و ابدان مؤمنان را پاك و پاکیزه آفریده و چون کاه کاه به

مقتضای بشریت ان ارواح و ابدان بدنس معاصی و قاذورات ظاهری ملوث میشوند

لهذا ب چشم و آب چشمه ارزانی فرموده که تا بدن و روح را آن شسته شایستهٔ طاعت

وعبادت

از جمیع چرکها و کثافتها و صبر ده مرا در اینها یا در این روز بر بلاهای که تا زایل شود

یعنی از قضاها و تقدیرها و توفیق ده مرا در این روز

۲

وجال باشد بزنا پس او بکوید که من از خدا میترسم و دیکری مردی که تصدق کند

بصدقه که دست راست او از دست چپ او نداند و دیکر مردی که در مکان خلوت خدا

را یاد کند و چشم خود را پر ا ز آب کند و هم زنان مرد صفت و نسوان شیر خصلت که

بهتر از مردان از این عمل استغنا نموده اند و از زینت و عفاف بهترین زینتها خود

را مزین نموده اند بسیارند که در کتب احادیث و تواریخ مسطور است و حقیر نیز چند

حدیث در کتاب کبیر اعنی زاد المسافرین نوشته ام اکر خواهی بان رجوع نمای و دیکر

انکه چه بسیار کم مروت بی حیاست کسیکه از مخلوق ضعیف شرم کند و از خدای

خود که خالق عالمست شرم نکند و شاعر چه نیکو کفته است در انجا که میکوید اندر انکم

که کنی عزم کناه کر کند کودکی از دور نکاه شرم داری ز کنه در کذری پردهٔ عصمت

خود را ندری شرم بادت ز خداوند جهان که بود واقف اسرار و نهان نکرانست بتو در

که کاه تو کنی در نظرش عزم کناه و منقولست که در روز قیامت بفرمان حق تعالی بادی

وزد که اهل ان مجمع از بوی کند او متاذی شوند و از شدت آن نزدیك شود زنا

که خلایق نفس نتوانند کشید در انوقت منادی ندا میکند که میدانید که این بوی ندیك

بو بیست اهل محشر کویند نمیدانیم و رنج ما بمرتبهٔ کمالست کوید این رایحه بد از آن

زناکارانست که بی توبه مرده اند پس ای اهل محشر بر ایشان لعنت کردن و پی خوردن

بر ایشان لعنت کند پس از اهل محشر هیچکس نماند مکر انکه کوید حرام احب الی الله من

لعنت کن ای برادر انصاف ده که آدم زیرك و هوشیار هر کاه نزد خدای عز و جل محبوب

حضرت امیر المؤمنین ع هو مبال فی مبال که عبارت از رسبایز آیه کریمه یوم ینفخ

وهم بیست مجلس تو از خان دیکو بود شکر نعمت شکر تو بیرون آمدن

اللهم غشنی فیه بالرحمة وارزقنی فیه التوفیق والعصمة وطهر قلبی من غیاهب

التهمة یا رحیما بعباده المؤمنین مسئلت جناب رسول خدا م از درگاه احدیت دو دعا

امروز اینست که خداوندا فرو بگیر مرا در اینماه یا در این روز از تاریکیها وتیرگیها برحمت

خود و روزی کن مرا در اینماه یا در این روز توفیق طاعت خیر و عصمت از معصیت را

و پاك و پاکیزه گردان قلب مرا در اینماه یا در این روز از تاریکیها و تیرگیهائی که بر قلوب

ما واقع شده ایخداوندی که بسیار رؤف و مهربانی به بندگان مؤمن خود ظرف واسع

من الزجاج فیه طبیخ مع لحم الدجاج بدان ای برادر خدا رحمت کند ترا وقتی که

رحمت خدا ترا فرو میگیرد وقلب تو از تیرگیها پاك میشود که مؤمن شوی و

توفیق طاعت بیابی و بیش از مرگ اثر گناهان را از خود بتراشی و تغییر حال خود دهی

وقلب ماهیت نمائی چنانکه در ظاهر بیان مینمائی د . . . این صفات مؤمنان

را تحصیل نمائی و از آیات واخبار و کلام العارفین مستفاد میشود که این خلقی که

در کوچه و بازار راه میروند و قامت د . . . زی دارند و ریش بصورت ایشانست و

زنان ایشان کیسو بر سر دارند . . . ب . . . ده نفر یکی مؤمن است نه بیشتر که صفات

ملائکه از برای خود تحصیل نموده اند و از ملکات انسانیت که آدمی هرگاه آنها را

دارد انسانست والا فلا از برای خود حاصل نموده است و باقی جانورند که در کوچه

و بازار و کار دوانسرا راه میروند بجهة آنکه ملائکه خیر ایشان از همه جهت بخلق

میرسد و شر ایشان اصلا بخلق نمیرسد از انجمله کرام الکاتبین که خیرخواه

فالذی . . .

بازبینی شد ۱۳۲۱ . . .